



دانشکده علوم انسانی

رساله جهت دریافت درجه دکتری  
رشته فلسفه و حکمت اسلامی گرایش حکمت متعالیه  
احکام مجردات در فلسفه افلوطین و ملاصدرا

نگارنده:

طیبه کرمی

استاد راهنما:

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور اول:

دکتر منیره پلنگی

استاد مشاور دوم:

دکتر سید محمود یوسف ثانی

شهریور 1389

سلام الغزالي

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای/ خانم طیبه کرمی تحت

عنوان: احکام مجردات در فلسفه افلوطین و ملاصدرا

را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه دکتری تخصصی (Ph.D) پیشنهاد می کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
1	استاد راهنما			
2	استاد مشاور			
3	استاد ناظر			
4	استاد ناظر			
5	استاد ناظر			
6	استاد ناظر			
7	نماینده تحصیلات تکمیلی			

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

### دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده 1- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده 2- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده 3- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده 4- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده 5- این آیین‌نامه در 5 ماده و یک تبصره در تاریخ 87/4/1 در شورای پژوهشی و در تاریخ 87/4/23 در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ 87/7/15 شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

تقديم به

مادر

موفقت من آرزوى ديرينه اوبود.

باشکراز

استاد راهنما

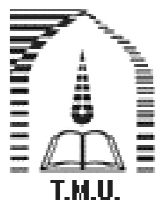
استاد مشاور

که در مراحل مختلف انجام این رساله مرایاری کردند.

## چکیده

مجرد به موجود غیر مادی و غیر جسمانی گفته می‌شود. مجرد بر نفس و عقل و نیز مبدأ وجود که در فلسفه افلوطين أحد و در حکمت متعالیه ملاصدرا، موجود مستقل و غنی و واجب الوجود است، قابل اطلاق است. علاوه بر این مرتبه‌ای از وجود به نام مرتبه مثالی در فلسفه اسلامی مطرح است که برخی از ویژگی‌های امر مجرد و برخی از ویژگی‌های امر مادی را دارا است. نزد افلوطين عالم به دو قلمرو محسوس و معقول تقسیم می‌شود و نفس واسطه میان عقل و عالم ماده است و در عین حال خود امری مجرد و کاملاً انفعال ناپذیر است. اما ملاصدرا نگاه دیگری به عوالم دارد. نفس در دیدگاه او در شمار عوالم است و بویژه نفس انسانی از جهت مادیت و تجرد دارای مقامات و مراتب متعددی است. وجود مادی، مثالی، عقلی و برتر از آن، مقامات قابل تصور نفس است. ملاصدرا با ابتکار این رأی، گامی در جهت رفع تقابل میان مجرد و مادی برداشته و ارتباط مجرد و مادی را تسهیل نموده است. در حالی که افلوطين با انفعال ناپذیر دانستن نفس، در تبیین ارتباط آن با ماده دچار مشکل است. البته نظریه ملاصدرا در خصوص عالم مثال و نسبت آن با عالم عقل و نفس دارای ابهاماتی است. در خصوص علت و معلول عالم مثال تصریحی وجود ندارد و شارحان نیز سخنان مختلفی در این خصوص ابراز کرده‌اند. مجردات در دیدگاه افلوطين و ملاصدرا ویژگی‌هایی متمایز از مادیات دارند. در مجردات احکامی مثل وجود، وحدت، علیت و علم غلبه دارد و عوارض مادی مانند ماده، حرکت، زمان و مکان از آنها سلب می‌شود. البته هر یک از این احکام مختصات ویژه‌ای در هر یک از مراتب تجرد و در دو نظام افلوطين و ملاصدرا دارند.

کلید واژه‌ها: مجرد، مادی، نفس، عقل، مثال، افلوطين، ملاصدرا



**Tarbiat Modares University (TMU)**

**Faculty of Humanities**

A Thesis Presented for the Degree of  
Philosophy of doctorate (Ph.D) in: Islamic Philosophy (Transcendent Philosophy)

***The Criterion of Incorporeal things in the philosophy of  
Plotinus and Mūllā Şadrā***

By

Tayebeh Karami

Supervisor

Dr. Reza Akbarian

Advisors:

Dr. Monireh Palangi

Dr. Seyyed Mahmud Yosef Sani

September – 2010



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	فصل اول - مقدمه و کلیات و طرح تحقیق.....
1	1-1- پیشینه و ضرورت تحقیق در خصوص مجرد و مادی .....
5	2-1- تحلیل موضوع و دامنه تحقیق .....
10	3-1- نکاتی چند درباره منابع تحقیق .....
16	4-1- روش فلسفی .....
16	1-4-1- روش فلسفی افلوطین .....
17	2-4-1- روش فلسفی ملاصدرا .....
20	5-1- مسائل و فرضیات تحقیق .....
23	فصل دوم - شناخت مجردات .....
23	1-2- جایگاه بحث مجردات .....
26	2-2- اصطلاح شناسی بحث مجردات .....
33	3-2- مقسم و اقسام مجردات .....
40	4-2- امکان شناخت مجردات .....
45	5-2- ضرورت وجود مجردات .....
52	فصل سوم - مراتب مجردات .....
52	مقدمه .....
56	1-3- احد/ واجب الوجود .....
56	3-1-1- احد نزد افلوطین .....
58	3-1-1-1- صفات سلبی .....
62	3-1-2- واجب الوجود .....

- 63.....1-2-1-3- وجود شناسی، مقدمه شناخت واجب
- 69.....2-2-1-3- صفات سلبی واجب
- 72.....3-2-1-3- صفات ایجابی واجب
- 77.....4-2-1-3- فعل واجب الوجود
- 79.....2-3- عقل
- 79.....1-2-3- عقل نزد افلوطین
- 81.....1-1-2-3- ارتباط عقل با احد
- 89.....2-1-2-3- تکثر عقل
- 93.....3-1-2-3- ماده معقول
- 94.....2-2-3- عقل نزد ملاصدرا
- 104.....1-2-2-3- عقول عرضی / مُثُل / ارباب انواع
- 112.....3-3- نفس
- 112.....1-3-3- نفس نزد افلوطین
- 114.....1-1-3-3- ارتباط نفس و عقل
- 116.....2-1-3-3- نفس کل و نفوس جزئی
- 119.....3-1-3-3- ارتباط نفس با طبیعت و ماده
- 125.....4-1-3-3- نحوه تجرد و بقای نفس
- 131.....5-1-3-3- تکثر نفوس و بقای شخصیت
- 131.....2-3-3- نفس نزد ملاصدرا
- 133.....1-2-3-3- نسبت نفس و عقل
- 134.....2-2-3-3- نسبت نفس و مثال
- 155.....3-2-3-3- رابطه نفس و طبیعت و ماده
- 158.....4-2-3-3- تجرد و مراتب نفس

169	..... بقای نفس 5-2-3-3
171	..... فصل چهارم - ملاک تمایز مجرد و مادی
171	..... مقدمه
172	..... 1-4- مشترکات مجردات
172	..... 1-1-4- وجود
172	..... الف) أفلوطين
178	..... ب) ملاصدرا
185	..... 2-1-4- وحدت
185	..... الف) أفلوطين
187	..... ب) ملاصدرا
190	..... 3-1-4- علیت
190	..... الف) أفلوطين
200	..... ب) ملاصدرا
208	..... 4-1-4- علم
208	..... الف) أفلوطين
213	..... ب) ملاصدرا
225	..... 2-4- مختصات مادیات
225	..... 1-2-4- ماده
225	..... الف) أفلوطين
228	..... ب) ملاصدرا
234	..... 2-2-4- حرکت
234	..... الف) أفلوطين
239	..... ب) ملاصدرا

245	..... زمان 3-2-4
245	..... الف) أفلوطين
249	..... ب) ملاصدرا
253	..... 4-2-4 مکان
253	..... الف) أفلوطين
255	..... ب) ملاصدرا
257	..... فصل پنجم - مقایسه و نتیجه گیری
257	..... 1-5-1 دستاوردهای تحقیق
257	..... 5-1-1-1 مقسم و اقسام مجردات
257	..... 5-1-1-2 شناخت مجردات
258	..... 5-1-1-3 ضرورت وجود مجردات
258	..... 5-1-1-4 عوالم وجود و مراتب مجردات
258	..... 5-1-1-5 تعداد مجردات
259	..... 5-1-1-6 ابهام جایگاه عقول عرضی و عالم مثال نزولی
260	..... 5-1-1-7 مشخصات موجود مجرد
263	..... 5-1-1-8 ممیزات مجردات از مادیات
266	..... 5-2-1 ارزیابی معیار تجرد و مادیت
269	..... فهرست منابع و مأخذ
277	..... چکیده انگلیسی

## فصل اول: مقدمه و کلیات و طرح تحقیق

### 1-1- پیشینه و ضرورت تحقیق در خصوص مجرد و مادی

بحث درباره مجرد و مادی اگرچه به صورت مستقل در کتابهای فلسفی و کلامی متقدم بحث نشده است، اما ذیل مصادیق مجردات و اینکه چه موجوداتی را مجرد بدانیم، مطالبی در خصوص مجرد و مادی و ویژگی‌های امر مجرد یافت می‌شود. حنابله و کرامیه و اهل حدیث، اساساً منکر وجود مجردات شده‌اند و غیر از محسوس به وجود دیگری قائل نیستند. برخی از اشاعره نیز وجود مجردی غیر خدا را انکار کرده‌اند. به نظر آنان اگر قرار باشد که نفس نیز همانند واجب مجرد باشد، تفاوتی میان واجب و ممکن باقی نمی‌ماند.<sup>1</sup> گروهی نیز با نفی تمایز نفس و بدن، منکر تجرد نفس شده‌اند.<sup>2</sup>

اما در آثار متأخرین و معاصرین «مجرد و مادی» به طور مستقل مورد توجه قرار گرفته و

<sup>1</sup> محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، المبدأ و المعاد، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، 1380؛ ص 413-415

<sup>2</sup> ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین. به کوشش هلموت ریتر. ویسبادن، 1980 / 1400؛ ص 331-337؛ فخر رازی، المطالب العالیه، ج 7، بیروت، دار الکتب العربی 1987 / 1407، ص 43-56

درباره ویژگی‌های آنها بحث شده است. از جمله می‌توان به فصلی با همین عنوان در آموزش فلسفه<sup>1</sup> محمد تقی مصباح یزدی اشاره کرد. همچنین مقاله علی افضلی در مهدوی نامه با عنوان «مجردات از نظر فلسفه و کلام و وحی»<sup>2</sup>، مقاله محمود نبویان با عنوان «مجرد و مادی» در مجله معرفت فلسفی<sup>3</sup> و کتاب محمد باقر محمدی لائینی با عنوان «مادی و مجرد در فلسفه» و پایان نامه امیر حسین بانکی پور فرد با عنوان «تحلیل انتقادی از تعریف ماده در فیزیک و فلسفه»<sup>4</sup> آثاری است که با این رویکرد تألیف شده‌اند.

در دو مقاله نخست از طریق تحلیل ویژگی‌های ماده از قبیل استعداد و قابلیت، مکان‌مندی و زمان‌مندی، تغییر و امتداد، به تعریف موجود مجرد پرداخته شده است. نکته قابل توجه در هر دو مقاله نتیجه‌گیری و طرد برخی از شقوق بر اساس ادله نقلی و شواهدی از احادیث است.

مؤلف مقاله «مجردات از نظر فلسفه و کلام و وحی» بر این اساس اثبات می‌کند که همه مخلوقات اعم از مادی و مجردات مشمول تغییرند و برخلاف عقیده فلاسفه اسلامی که ملائکه را با عقول تطبیق کرده‌اند و آنها را مجرد تام دانسته‌اند، ملائکه مادی بوده و از نوعی ماده لطیف برخوردارند. مؤلف محترم به جای طرح و بررسی مراتب مجرد، برای مادی بودن معنای وسیعی در نظر گرفته و آن را واجد مراتب دانسته است. به نظر ایشان داشتن بعد و امتداد ویژگی اصلی امور مادی است و از مجردات نفی می‌شود و محسوس بودن ویژگی ثانوی و غیر اصیل برای مادیات است و ممکن است که در برخی مراتب مادیات دیده نشود. بر این اساس ملائکه اگر چه غیر محسوس هستند اما مادی محسوب می‌شوند. زیرا بر اساس آیات و روایات برای آنها ویژگی‌های مادی مانند ابعاد وسیع، داشتن بال و حرکت مطرح شده است. نتیجه این رویکرد اهمال در تبیین

---

1. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج 2، تهران: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، 1365؛ ص 121-128.  
2. علی افضلی، «مجردات از نظر فلسفه و کلام و وحی» در مهدوی نامه (جشن نامه استاد دکتر یحیی مهدوی)، به کوشش حسن سید عرب و علی اصغر محمد خانی. تهران: هرمس، 1378؛ ص 107-159.  
3. محمود نبویان، «مجرد و مادی» در معرفت فلسفی، سال چهارم، ش 3 (پیاپی 15)، بهار 1386، ص 207-224.  
4. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی، به راهنمایی دکتر مهدی گلشنی، دانشگاه تربیت مدرس 1376

عالم مثال و نحوه تجرد موجود مثالی شده است.

مقاله «مجرد و مادی» نیز با طرح سه نظریه درباره ملاک تمایز مادی از مجرد با عنوان نظر مشائین، نظر اشراقیون و دیدگاه استاد فیاضی نظریه سوم را برگزیده و از آن دفاع کرده است. به نظر مولف مشائین ماده را امری دارای استعداد و قابلیت و همچنین دارای امتداد دانسته‌اند. اما اشراقیون تنها وجود قوه و استعداد را شرط دانسته‌اند. اما به نظر استاد فیاضی و مولف، ویژگی اصلی ماده، محسوس بودن و قابلیت اشاره حسی است و مجرد موجودی است که قابل اشاره حسی نباشد. نبویان مانند افضل، نویسنده مقاله فوق الذکر، معتقد است که تغییر و استعداد منحصر به مادیات نیست، بلکه در همه ممکنات وجود دارد و شواهدی مبنی بر این مطلب در روایات موجود است.

اما کتاب «مادی و مجرد در فلسفه» محمدی لائینی اساساً با رویکردی متفاوت از دو اثر فوق تألیف شده است و مؤلف آن در پیشگفتار، دلیل تألیف چنین اثری را پاسخ به ماتریالیست‌ها و هر مکتب ماده‌گرای دیگر دانسته است. وی معتقد است که با تحلیل رابطه مجرد و مادی و تحلیل حدود ماده و مجردات می‌توان پاسخ بسیاری از شبهات معاصر را داد. این کتاب در سه بخش مادی، مجرد و رابطه مادی و مجرد تألیف شده است و مولف که عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران است و طبیعتاً غیر متخصص و در عین حال علاقمند به فلسفه، در بیان مطالبش بیشتر متمرکز بر آثار علامه طباطبائی و استاد مصباح یزدی و شهید مطهری شده و البته گاهی نیز به ملاصدرا و سبزواری نیز استناد جسته است. در بیان نظریات فلاسفه غرب نیز منبع قابل اعتنای ایشان، تاریخ فلسفه کاپلستون و سیر حکمت در اروپای مرحوم فروغی است. محمدی لائینی در تحلیل ماده از دیدگاه‌های مختلف فلسفی و علمی به این نکته رسیده است که «امروزه ابعاد و انواع بسیار ظریف و لطیفی از ماده را بشر می‌شناسد... انرژی، جاذبه، میدان مغناطیسی و امواج طیفی از

مادیات هستند که تقریباً کارایی مجردات را دارند. نامرئی هستند و از دور عمل می‌کنند...»<sup>1</sup> به دلیل ابهام در مرز و دامنه مادیات مولف به دنبال معیاری برای تعریف مجردات گشته و علم و عالم بودن را مهمترین ویژگی خاص مجردات یافته است.

از نکات قابل توجه این کتاب، توجه به مراتب عوالم و مرتبه مثال و بررسی نسبت آن با نفس است. اگرچه مولف استنباط شخصی در این باره ندارد و به نقل قول از استاد مصباح یزدی اکتفا کرده است. در نهایت در فصل آخر به این نتیجه رسیده است که مادی و مجرد با هم نوعی وحدت دارند. چنین نیست که مجرد و مادی دو سنخ وجودی متفاوت داشته باشند، بلکه در حقیقت جز وجود خداوند که وجود مجرد است، مابقی موجودات دارای وجوهی از مادیت و تجرد دارند و اینکه بعضی را مجرد و برخی را مادی می‌نامیم به ملاحظه ما بستگی دارد ولی در حقیقت تغییری بین آنها نیست.<sup>2</sup>

پایان‌نامه بانکی پور که به تحلیل ماده از منظر فیزیک و فلسفه پرداخته است، شامل بخش‌ها و عناوین متعددی است و در آن سعی شده است که آراء مختلف درباره ماده از فیلسوفان باستان تا معاصر و از شرق تا غرب و آراء فیزیکدانان قدیم و جدید استخراج شود. منبع بیشتر این گزارشات، غالباً موسوعه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، دایره‌المعارف‌ها و تاریخ فلسفه‌ها است. برای نمونه عمده آراء فیلسوفان غرب درباره ماده برگرفته از کتاب *ارتباط انسان و جهان* محمد تقی جعفری و موسوعه *اعلام الفلسفه العرب و الاجانب* است. گذشته از اشکالات، نقطه قوت این پایان‌نامه در بخش دوم است که به آراء فیزیکدانان پرداخته شده است. در این بخش ماده در سه نظام فیزیک نیوتنی، نسبیت و کوانتوم بررسی شده است. نگارنده در آخر بررسی این آراء و طبق آخرین فرضیات علمی بر اساس فیزیک کوانتوم به این نتیجه می‌رسد که ماده نسبت به روح امر انتزاعی به شمار می‌آید و غیر ماده نسبت به ماده حقیقی‌تر و اصیل‌تر است. اینکه عرفای ما عالم ماده را

<sup>1</sup>. محمد باقر محمدی لائینی، مادی و مجرد در فلسفه، ساری: شلفتین، 1387، ص 79

<sup>2</sup>. همان، ص 169



خیالی بیش نمی‌دانستند و یا فلاسفه که ماده را اضعف موجودات معرفی می‌کردند، اکنون با دستاوردهای علمی تأیید شده است.<sup>1</sup>

همچنین با توجه به نظریات جدید علمی درباره ذرات تشکیل دهنده جسم و فضای خالی درون اجسام و نیز مفهوم زمان و نسبیت به این نتیجه می‌رسد که آنچه باعث ایجاد نسبت‌ها در اجسام می‌شود، امری غیر مادی و مجرد است. عالم مجردات همه نسبت‌های جهان مادی را در خود دارد و تأثیر و تأثرات را در ماده ایجاد می‌کند. چراکه بین امور مادی تأثیر و تأثری نیست. وی همچنین نتیجه می‌گیرد که عالم طبیعت یکی از جهان‌های مادی است و امکان وجود جهان‌های مادی دیگری که خواصی متفاوت از عالم طبیعت را داشته باشند وجود دارد. بنابراین آنچه درباره جن و یا ویژگی‌های بهشت و جهنم وارد شده، می‌تواند مربوط به این عوالم مادی ولی ناشناخته باشد. بنابراین برخی از آن چیزهایی که قبلاً مجرد پنداشته می‌شد، اکنون معلوم شده که مادی است.<sup>2</sup>

چنانکه دیده می‌شود در هر یک از این آثار معیارهای متفاوتی برای تجرد و مادیت مطرح شده است و بر اساس آن دامنه مجردات و مادیات، تغییر یافته است. عمده این نظریات به این سو متمایل است که حوزه مجردات را کوچکتر کنند و آنچه قبلاً مجرد پنداشته می‌شده را مادی معرفی کنند. یکی از دلایل مهم برای طرح چنین نظریاتی مشخص نبودن تعریف درستی از مجردات و احکام آنهاست.

## 1-2- تحلیل موضوع و دامنه تحقیق

در فلسفه و منطق، هرگاه بخواهند که درباره خصوصیات چیزی از مفاهیم و یا حقایق بحث کنند، از اصطلاح حکم و جمع آن احکام استفاده می‌کنند و منظور از آن قواعد و قوانین خاص آن موضوع است. چنانکه در منطق از احکام قضایا، احکام قیاس، احکام حدّ، احکام تضاد و ... سخن گفته

<sup>1</sup>. ر.ک: بانکی پور، همانجا، ص 151

<sup>2</sup>. همان، ص 179

می‌شود و در فلسفه از احکام جواهر و اعراض، احکام جسم، احکام حرکت، احکام علت، احکام علم و... بحث می‌شود. نکته قابل توجه این است که در میان احکام بیان شده، کمتر از احکام مادیات و مجردات به طور خاص سخن گفته شده است. چرا که مجرد و مادی از مفاهیم انتزاعی فلسفی به شمار نمی‌آیند. در فلسفه از اقسام مجردات مانند عقل و نفس بحث می‌شود و می‌توان گفت که مجردات و مفارقات موضوع اصلی فلسفه اولی و یا مابعد الطبیعه هستند. اما آنچه در این تحقیق و بررسی برای ما اهمیت داشت، بررسی معیارهایی است که مجردات را از یکدیگر و از مادیات متمایز می‌کند.

ملاصدرا و سایر حکماء خصوصاً هنگام بحث درباره تجرد نفس به معیارهای تمایز امر مجرد از مادی اشاره کرده‌اند. اگرچه مستقلاً همه مراتب تجرد و امتیاز آنها از یکدیگر را بیان نکرده‌اند. در فلسفه ملاصدرا نوع دیگری از تجرد به نام تجرد مثالی یا خیالی وجود دارد که امتیاز یا ارتباط آن با تجرد نفس و یا تجرد تام عقل نیازمند بررسی بیشتری است و این رساله به انگیزه کشف این معیارها و یا لااقل نشان دادن نکات مبهم این بحث معرفی شد.

نکته قابل توجه این است که این حکما در بحث از معیار تجرد به علم زمان خود متکی بوده‌اند و آنان با معیارهای خود می‌توانستند پدیده‌های شناخته شده عصر خود را از جهت مادی بودن یا مجرد بودن تعیین و تفسیر کنند. اما اکنون با کشف پدیده‌ها و توسعه مفاهیم علمی شاید لازم باشد که معیارها دقیق‌تر شود و یا تحولی در آنها صورت بگیرد که لازمه آن عرضه نظامی جدید در فلسفه است که آن هم در جای خود نیکو است. اما دغدغه این رساله شناخت تعریف مجرد و مادی در بستر همان فلسفه قدیم است تا از طریق آن بتوان معیاری برای تمایز مصادیق شناخته شده مجردات تا آن زمان بدست آورد.

دلیل انتخاب فلسفه ملاصدرا برای بررسی معیار تجرد در مجردات و تمایز مجرد و مادی، نظریه ابداعی وی درباره نفس انسانی است. وی نفس را جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا دانسته

است و به همین دلیل تقابل میان مجرد و مادی را به نحو دیگری مطرح کرده است. همچنین طرح عالم مثال و سخن گفتن از نوعی دیگر از تجرد، با در نظر گرفتن تفاوت‌های آن با عالم مثال سهروردی، از ویژگی‌های مهم فلسفه اوست. بنابراین به نظر رسید که بحث درباره معیار تجرد و بررسی احکام تجرد در فلسفه ملاصدرا می‌تواند سودمند باشد و همچنین از آنجا که نفس در نظام فلسفی افلوطین نقش نوعی واسطه میان عالم محسوس و معقول را دارد و در برخی ویژگی‌ها عالم نفس افلوطین با عالم مثال در فلسفه اسلامی قابل تطبیق است، فلسفه افلوطین برای مقایسه با فلسفه ملاصدرا انتخاب شد.

لازم به ذکر است که حضور افلوطین و تفکر نو افلاطونی در فلسفه اسلامی حضوری غیر صریح است و ما در این رساله در مطالعه افلوطین در صدد گزارش و قضاوت درباره این دلالت‌های پنهان نیستیم. افلوطینی که در این رساله مورد بحث و بررسی قرار گرفته، افلوطین شناخته شده در جهان غرب است که می‌توان گفت به افلوطین حقیقی نزدیک‌تر است. شخصیت و فلسفه افلوطین در جهان اسلام با ابهامات فراوانی مواجه است. *اثولوجیا* که در طول تاریخ فلسفه اسلامی به نام ارسطو شناخته می‌شد، اکنون به نظر محققین معاصر غرب، برداشت آزادی از *انئادهای* افلوطین است. حتی نام افلوطین نیز کمتر برده شده است و در منابع تاریخ فلسفه مسلمانان لقب «شیخ یونانی» جایگزین نام او شده است. نخستین کسی که از شیخ یونانی نام برده، سجستانی در *صوان الحکمه*<sup>1</sup> است. عجیب‌تر آنکه او را به عنوان شاگرد دیوجانس کلبی معرفی کرده است. چنین تعبیری پس از آن در *جاویدان خرد*<sup>2</sup> مسکویه، *الملل و النحل*<sup>3</sup> شهرستانی و *روضه الافراح*<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup>. ابوسلیمان سجستانی، *صوان الحکمه و ثلاث رسائل*، به کوشش عبدالرحمن بدوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1974، ص ۱۶۹، ۱۷۲

<sup>2</sup>. مسکویه، *الحکمة الخالده (جاویدان خرد)*، به کوشش عبدالرحمن بدوی، قاهره: مکتبه النهضه المصریه، 1952؛ ص 216

<sup>3</sup>. ابو الفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، *الملل و النحل*، ج 2، به کوشش محمد بن فتح الله بدران، قاهره: مکتبه الانجلو المصریه، 1375ق/ 1956م، ص 152-156

شهرزوری نیز ذکر شده است. اکنون معلوم شده است که سخنانی که به شیخ یونانی نسبت داده شده، به سخنان أفلوپین شباهت زیادی دارد، بنابراین منظور از شیخ یونانی أفلوپین بوده است. اما نمی‌توان دلیل اینکه او را شاگرد دیوجانس دانسته‌اند، به درستی فهمید. رزنتال معتقد است احتمالاً به دلیل آنکه دیوجانس نزد آنان مشهور و شناخته شده بوده و در عین حال شاگرد مشهوری نداشته است، معرفی شیخ یونانی به عنوان شاگرد او می‌توانست این خلأ را در تاریخ فلسفه شناخته شده نزد مسلمانان پر کند.

به نظر رزنتال لقب شیخ یونانی توسط حلقه سجستانی ساخته شده است و کسانی که از او تبعیت کرده‌اند چنین نقل کرده‌اند. زیرا این لقب و چنین شاگردی برای دیوجانس در کتاب *نوادر الفلاسفه* حنین بن اسحق و *تاریخ یعقوبی*، *مختار الحکم مبشر بن فاتک*، *طبقات الامم ابن صاعد اندلسی* و *طبقات الحکماء قفطی* مشاهده نمی‌شود.<sup>2</sup> برعکس در کتاب قفطی، نام فلوپین برده شده است و از او به عنوان مردی از بلاد یونان و شارح ارسطو یاد شده که آثاری از او به سریانی ترجمه شده است. قفطی از اینکه چیزی از این آثار به عربی ترجمه شده باشد ابراز بی‌اطلاعی می‌کند.<sup>3</sup> درباره منبع خبر قفطی چیزی نمی‌دانیم. در میان مسلمانان، به طور پراکنده سخنانی از أفلوپین نقل شده که بیشتر آنها بدون اشاره به نام أفلوپین است. چراکه أفلوپین به عنوان مؤسس یک مکتب و پیرو افلاطون هرگز شناخته شده نبوده است و حداکثر او را شارح ارسطو می‌دانستند که مانند سایر شارحان ارسطو، نکات جدیدی نیز دارد. البته جالب است که پروکلس را به عنوان شارح افلاطون می‌شناختند، اما درباره ارتباط او و أفلوپین چیزی نگفته‌اند و احتمالاً چیزی در این باره نمی‌دانستند.

---

<sup>1</sup> شمس الدین شهرزوری، *نزهة الارواح و روضة الافراح فی تاریخ الحکماء و الفلاسفة*، ج 1، حیدرآباد دکن: دائره المعارف العثمانیه، 1396ق / 1976م؛ ص 309-310

<sup>2</sup> Franz Rosenthal, "Ash-Shaykh al- Yūnānī and the Arabic Plotinus source" in: *Greek Philosophy in the Arab World*, IV, p.437-446, Great Britain: Variorum, 1990; p.463-465,473

<sup>3</sup> جمال الدین ابی الحسن علی بن یوسف قفطی، *تاریخ الحکماء*، به کوشش یولیوس لیپرت، لایپزیک: 1903 افسست مکتبه المثنی، ص 258